

## دریچه‌های شکوفایی – صفحه ۲۶

## #تاریخ\_ادبیات:

هلن کلر: صفحه ۱۵۳ کتاب درسی

## #معنای\_لغات:

شکوفایی: رشد و پیشرفت / درک: فهمیدن / معجزه: امر خارق‌العاده / بهره‌گیری: استفاده / قابلیت: استعداد و امکانات / ایالت: استان / محروم: بی بهره / عشقه: نام گیاهی / لکنت: گرفتگی / دیری نپایید: طولی نکشید / خزانی زرین: پاییزی طلایی / سپری شدند: گذشتند / ملال انگیز: ناراحت کننده / بهبود: خوب شدن / تدریجاً: کم کم / وقایع: جمع واقعه، اتفاق‌ها / رخ داد: پیش آمد / تکلم: صحبت / بیهوده: بی فایده / می‌جنباندم: تکان می‌دادم / مغموم: غم زده، غمگین / تردید: شک / تعلیم: آموزش دادن / نزد: پیش / بامداد: ابتدای صبح / هجی کردن: کلمه‌ای را حرف به حرف بررسی کردن / مزارع: جمع مزرعه / مواهب: جمع موهبت، نعمت‌ها / اشتیاق: علاقه‌ی فراوان / معلومات: دانسته‌ها / افزوده: اضافه / طفل: کودک (جمع: اطفال) / مفاهیم: جمع مفهوم / تا چه حد: تا چه اندازه / لوح: تخته / قرائت: خواندن / بدخو: بد اخلاق / بیقرار: ناآرام / متوقع: زیادخواه / شرح: توضیح / دریافتم که: فهمیدم / عیناً: دقیقاً / مصاحبت: هم‌نشینی / مصمم شدم: تصمیم جدی گرفتم / کوشیدم: تلاش کردم / وسیع کرد: گسترش داد / واداشت: مجبور کرد / مزایا: جمع مزیت، قابلیت و برتری / فراهم: تهیه / موانع: جمع مانع / تحقق یافت: به دست آمد، حاصل شد / سابق: گذشته / مواجه: رو به رو / افسرده: غمگین / بازمی‌یافتم: دوباره کسب می‌کردم / می‌لغزیدم: لیز می‌خوردم / نمایان: آشکار / فنون: جمع فن / در حین: هنگام / بردباری: صبوری / فراغ بال: آسودگی خاطر / تائی: درنگ و آرامش / موعود: وعده داده شده / نقایص: جمع نقص، ایرادها / دل‌پذیر: دوست داشتنی / باز نداشته: جلوگیری نکرده / جذبه: ابهت / سرور: شادی / به نحوی: به شکلی، به صورتی / ادراک: درک کردن / نهفته: پنهان / بزدد: آن واحد: یک لحظه‌ی مشترک / حواس: جمع حس

## #آرایه‌ها:

چشمان و گوش‌های مرا بست: کنایه از نابینا و ناشنوا شدن / ظلمتی مرا گرفته بود ← ظلمت: استعاره از نابینایی / دست‌هایم هر حرکتی را می‌دید: حس آمیزی / تاریکی و بی‌خبری ← تاریکی: استعاره از ناآگاهی / کلید زبان: اضافه‌ی تشبیهی / درختان، گل‌ها، میوه و...: تناسب / سرم را گرم کنند: کنایه از مشغول کاری کردن / زندان خاموشی: اضافه‌ی تشبیهی / شب و روز کوشیدم ← شب و روز: مجاز از تمام مدت / حساب، جغرافیا، علوم طبیعی و زبان: تناسب / از سر راه برداشتم: کنایه از برطرف کردن / بلندی: استعاره از سختی‌ها / افق نامحدود: استعاره از آینده‌ی پیش رو / امتحانات دیوهای زندگی من بودند: تشبیه اسنادی / پشت دیوها را ← دیو: استعاره از امتحانات / پشت کسی را به خاک رساندن: کنایه از شکست دادن / کتاب مانند خورشید: تشبیه / ادبیات بهشت موعود: تشبیه ادبیات به بهشت / ناشنوایی چیزی را براباید: تشخیص

## #تکات\_دستوری:

- حتی پزشک - : جمله‌ی معترضه / کتاب مانند خورشید بود و ادبیات بهشت موعود (بود): حذف فعل بود به قرینه‌ی لفظی / دوستانم - یعنی کتاب‌هایم - ← یعنی کتاب‌هایم: جمله‌ی معترضه

## #فرصتی\_برای\_اندیشیدن:

۱- لامسه

۲- یعنی در این راه، بارها شکست خورده، اما تسلیم نشده و دوباره تلاش می‌کرده و با حصول موفقیت مجدد امیدوار می‌شده.

۳- کتاب مانند نور خورشید و ادبیات مانند بهشت موعود.